

دکتر رابرت یاربرو، نامه های شبان، جلسه ۸،

۲ تیموتائوس ۱

© ۲۰۲۴ رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو و آموزش او درباره نامه های شبانی است، دستورالعمل های رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان، جلسه ۸، ۲ تیموتائوس ۱.

به مطالعه ما درباره نامه های کشیشی خوش آمدید و این سخنرانی ها را با عنوان «آموزش رسولی برای رهبران کشیشی و پیروانشان» نامگذاری می کنیم. ما این سخنرانی را از سخنرانی های تیموتائوس اول ادامه می دهیم و اگر خواستید مقدمه ای طولانی تر بر نامه های شبانی داشته باشید، لطفاً به سخنرانی های اول تیموتائوس بروید و اولین سخنرانی را آنجا گوش دهید، و من نکات زیادی درباره تیموتائوس اول و دوم و تیموس به طور کلی ارائه می دهم.

اما در این سخنرانی های خاص، قرار است به تیموتی دوم بپردازیم. ما تا چند دقیقه دیگر دعا خواهیم کرد، اما می خواهیم با خلاصه سازی، مرور و حتی آزمایش شما شروع کنم که آیا اتفاقاً در این درس ها در تیموتائوس اول شروع کرده اید، پس این نمودار را دیده اید و حالا می خواهیم ببینیم آیا آنچه را که در ابتدای این سخنرانی ها دیدید، به یاد دارید یا نه. و من گفتم که می توانید کتاب مقدس را با این مخفف خلاصه کنید: P-M-E-E-C [آماده سازی، تجلی، گسترش، توضیح و تکمیل انجیل]

و این به کل کتاب مقدس تحت عنوان انجیل اشاره دارد. انجیل یک موضوع مهم دارد، کتاب مقدس تمرکز اصلی دارد و آن تمرکز بر خدا از طریق وحی پسرش است. و ما پیام این افشای نجات بخش خدا را خبر خوش یا انجیل، به یونانی euangelion می نامیم.

این خبر خوب کار نجات بخش مسیح است. و کل کتاب مقدس را می توان در پرتو این موضوع دید و فکر می کنم باید از این منظر دیده شود. پس ما با ۷۷ یا ۷۸ درصد کتاب مقدس شروع می کنیم که آن را عهد عتیق می نامیم، و عهد عتیق چیزی شبیه P برای انجیل است و آن کلمه باید آماده سازی باشد.

این آمادگی برای انجیل است. این همه ماجرا نیست، اما هسته اصلی همه چیز همین است. ثانیاً، اناجیل تجلی انجیل هستند.

اعمال رسولان گسترش انجیل را به ما می دهد. و سپس نامه ها، که تمرکز ما در این سخنرانی ها است، رساله ها توضیح انجیل هستند. انجیل چگونه به نظر می رسد؟ شروع از اعمال رسولان، و آموزه های عیسی، پیام عیسی و حتی شخصیت عیسی که به نوعی در افرادی که به او ایمان دارند، و یک جامعه، و سپس جوامعی که تأیید می کنند او خداوند و نجات دهنده است، تزریق شد.

کتاب اعمال داستانی را روایت می کند از چگونگی تأسیس کلیساها در سراسر جهان روم و آغاز جنبش مأموریتی که هنوز هم بسیار فعال است. خوب، این در سطح جماعت چطور به نظر می رسد؟ آموزه ها چیست؟ باورها چیستند؟ روش ها چیستند؟ رهبران باید درباره میراث اعمال رسولان درباره وجود کلیسا و رشد کلیسا چه فکر و چه کاری انجام دهند؟ و پاسخ در رساله ها یافت می شود و آن ها توضیح انجیل یا شرح انجیل هستند. و در نهایت، وحی، تحقق انجیل است.

این همان جایی است که اوضاع به آن می رود. پس من این کلمه را در ابتدا بدون خالی بودن و با تمام کلمات ارائه دادم، اما حالا که آن را مرور کرده اید به یاد دارید که این کلمه آماده سازی، تجلی، گسترش، توضیح و

تکمیل است. پس فکر می کنم خوب است که به خودمان یادآوری کنیم که همه این ها، تمام کتاب مقدس، همان طور که در دوم تیموتائوس ۱۶:۳ خواهیم دید، تمام کتاب مقدس دمیده خداست.

و همان طور که عهد عتیق می گوید، هر کلام خدا بی نقص است. او یک سپر است. من می گویم بی نقص، بعضی ترجمه ها می گویند آزمایش شده.

مشخص شده که بدون کمبودی است. این موضوع هنوز پابرجاست. قابل اعتماد است.

و سپس توجه کنید که این موازی است که هر کلمه خدا و سپس او. خدا و کلامش در اندیشه کتاب مقدس بسیار بسیار به هم نزدیک هستند، زیرا خدا در ذات پدری خود نامرئی است. ما همین الان در پایان اول تیموتائوس دیدیم که هیچ خدا را در جلال متعالی اش ندیده یا نمی بیند.

اما همان طور که یوحنا می گوید، تنها پسر خدا که در آغوش پدر است و به پسر خدا اشاره دارد، او را توضیح داده است. پس، از طریق کلام خدا، خدا آشکار است. و همان طور که کلام در کتاب مقدس بی نقص است، خود خدا سپری برای کسانی است که به او پناه می برند.

بیا بید دعا کنیم. خداوند، عطا کن که از طریق مطالعه دوم تیموتائوس، ما را در حال پناه بردن به تو یافت. وقتی کلام بی نقص تو را مطالعه می کنیم، اعتراف می کنیم که بسیار نقص داریم.

پس ما به تطهیر تو نیاز داریم. ما به صبر تو نیاز داریم. ما به لطف و رهبری شما نیاز داریم.

از وعده ات برای دادن آن به کسانی که از طریق پسر و در کلام تو به دنبال تو هستند، سپاسگزارم. ما خود را به دستان سالم تو می سپاریم. به نام عیسی، آمین.

پس، یادآوری روشی که دنبال می کنیم. اول از همه، ما داریم مشاهده می کنیم. ما آنچه هست را می بینیم چون دیدن آنچه هست مقدم یا باید قبل از تصمیم گیری درباره آنچه می گوید باشد.

دیروز این را گفتم، اما الان دارم می گذارم و شاید در وب سایتی که به این سخنرانی ها دسترسی دارید منتشر شود. بررسی کردم و این مقاله هنوز آنلاین است. این مقاله ای است از یک پژوهشگر سوئیسی که بخش زیادی از عمرش را در آلمان تدریس کرده است.

نام او آدولف شلاتر بود. او در سال ۱۹۳۸ درگذشت. اما او یکی از بزرگ ترین دانشمندان کتاب مقدس در تاریخ معاصر آلمان بود.

او به تثلیث ایمان داشت. او به حقیقت کتاب مقدس ایمان داشت. او برخلاف بیشتر هم عصرانش در دانشگاه آلمان، به مسیح مصلوب و برخاسته ایمان داشت.

و مقاله ای با عنوان «اهمیت روش برای کار الهیاتی» نوشت. و چند سال پیش آن مقاله را ترجمه کردم و درباره اش تفسیر نوشتم. پس می توانید از طریق آن لینک به آن دسترسی پیدا کنید.

و در آن مقاله است که شلاتر ایده دیدن آنچه وجود دارد را بیان می کند، که موضوع بزرگی در رویکرد او به کتاب مقدس بود. می توان گفت مشاهده هرمنوتیک او، دیدن آنچه در آن هست و سپس قضاوت درباره آنچه می گوید. اما او واقعا بر نیاز به بیرون رفتن از خود از طریق آموزش، صبر، مشاهده، انضباط، فروتنی و

دیدن آنچه می بینید تأکید می کند، به جای اینکه آنچه را که قبلاً فکر می کنید به کلمات کتاب مقدس تحمیل کنید و کلمات را از کتاب مقدس خارج کنید تا با این لحظه سازگار شود.

ما این را زیاد در سیاست آمریکا می بینیم، به ویژه در انتخابات ها. بسیاری از سیاستمداران می دانند که مردم خیابان، بسیاری از آن ها، به کتاب مقدس وابسته اند. این در آمریکا تا حدی سنتی است.

علاوه بر این، مسیحیان زیادی در آمریکا وجود دارند. پس برای گرفتن رأی، آیات کتاب مقدس را نقل قول می کنند. اما اغلب نقل قولی که استفاده می کنند هیچ ربطی به آنچه می خواهند شما درباره شان فکر کنید ندارد یا کاملاً از متن خارج شده است.

پس نمی خواهیم تیموتی دوم را از زمینه خارج کنیم. می خواهیم آن را در زمینه اش بخوانیم و سپس امیدواریم به آن زمان وفادار باشیم، وفادار به آنچه دیدیم وقتی با دقت آن را می خوانیم و باز می کنیم. پس حالا می خواهیم بگوییم این برای ما چه معنایی دارد.

در مورد اول تیموتائوس اشاره کردم که یکی از راه های آشنایی با یک کتاب کتاب مقدس این است که به فراوانی واژه هایی که در آن کتاب استفاده می شود نگاه کنیم، چون احتمال خوبی وجود دارد که ارتباطی بین فراوانی ظاهر شدن واژه ها و تمرکز کتاب وجود داشته باشد. و نامه ها نوشته می شوند تا کسی را به چیزی قانع کنند. پس، تمرکز وجود دارد.

این فقط نوعی سرگردانی آزاد و تداعی نیست، بلکه شروع و پایان می یابد و در آن نیت وجود دارد. پس اگر به کلمات اصلی در دوم تیموتائوس نگاه کنیم، چیزی را می یابیم که در اول تیموتائوس هم یافتیم، و آن برتری کلمات برای خداست. توزیع متفاوت است.

پس ما کوریوس را ۱۶ بار به عنوان لرد می بینیم و اغلب بحث برانگیز است، آیا این به خود خداوند اشاره دارد؟ ما می گوییم خداوند پدر. اغلب در پولس به طور کلی تر، وقتی می گوید خداوند، درباره خداوند برخاسته صحبت می کند. او درباره عیسی صحبت می کند.

اما نه همیشه. و از قبل به شما می گویم، خیلی وقت ها در دوم تیموتائوس، نمی دانم منظورش خدا پدر است یا خدا پسر، یا اینکه فرقی می کند چون باور داشت آن ها در ذات یکی هستند. اما درست بعد از خداوند، ۱۳ ارجاع به خدا دارید، و بلافاصله بعد از خدا، ۱۳ ارجاع به عیسی و مسیح.

تقریباً همیشه به ترتیب مسیح-عیسی. یک بار عیسی مسیح است و این را در فصل دوم خواهیم دید. اما بیشتر اوقات، مانند اول تیموتائوس، او از اصطلاح مسیحایی مسیح (مسیح) استفاده می کند، که در یونانی Christos Iesus است. نجات دهنده مسیحایی، عیسی ناصری.

و بعد ایمان داریم، کلمه ای داریم، حقیقت داریم، دیدومی داریم. و این واقعا ارزش بررسی دارد، چون هر شش ارجاع به فعل یا کاربردهای کلمه دیدومی، چیزی خدابخشانه است. پس بذار انگلیسی رو بیارم بالا و اونقدر بزرگش کنم که بتونیم ببینیم.

۲ تیموتائوس ۷:۱، و من از استاندارد جدید آمریکایی نقل قول می کنم، خدا به ما روحیه ترس نداده است، بلکه روح قدرت، عشق و خودکنترلی را عطا کرده است. NIV آن را ترجمه می کند، زیرا روحی که خدا به ما داده ما را ترسو نمی کند، بلکه قدرت، محبت و انضباط به ما می بخشد. در هر صورت، این روح بخشنده خداست.

۹.۱، او ما را نجات داد و به زندگی مقدس فراخواند، نه به خاطر کاری که انجام داده ایم، بلکه به خاطر هدف و فیض خودش که پیش از آغاز زمان در مسیح عیسی به ما داده شد.

۱۶.۱، خداوند رحمت کند. این همان فعل «دادن» است، اگرچه ترجمه شده به «نمایش»، اما این فعل است، معنای ریشه ای آن «دادن» است. باشد که خداوند عطا کند که او رحمت را بیابد. خداوند به شما ببینش خواهد داد و مخالفان باید با ملایمت آموزش داده شوند به امید اینکه خدا به آن ها توبه و توبه عطا کند.

پس، اگرچه فعل «دادن» به خودی خود لزوماً ربطی به خدا ندارد، در واقع در دوم تیموتائوس، هشتمین کلمه پرتکرار و فعل اول، واقعا باید در ستون خدا ثبت شود، چون کار خدا را توصیف می کند.

این نام خدا نیست، اما در دوم تیموتائوس همیشه برای اشاره به کار خدا استفاده شده است. سپس کلمه کار یا سند عدد نه است. سپس کلمه ای برای شخص یا انسان داریم.

امروز ارجاعی داریم، پنج ارجاع به آنچه می دانم داریم، و این ها معمولاً چیزهایی هستند که درباره خدا شناخته شده اند. فکر می کنم یک بار دانایی کلی تر است، اما چهار بار تأییدی است بر چیزی که پولس درباره خدا می داند یا او و تیموتائوس می دانند یا باید درباره خدا بدانند. آنگاه فیض داریم و عشق داریم.

و برای کسانی از شما که کمی در یونانی کار کرده اند، وقتی به کار به زبان یونانی فکر می کنید، به کلمه «کار نیکو» یا «کارهای نیکو» فکر می کنید. و من گفتم درباره اول تیموتائوس، دو کلمه برای خوبی وجود دارد و ممکن است پرسید، خب، من تعجب می کنم کدام کلمه استفاده می شود. و در هر دو کتاب اول تیموتائوس و دوم تیموتائوس، کلمه ای که چهار بار از شش بار استفاده می شود کالاس یا کالون آگون است، کار خوب با کالون، و دو بار آگاتوس.

در ۲ تیموتائوس، او دو بار آگون را با آگاتوس استفاده می کند و اصلاً با کالوس استفاده نمی کند. پس، او در استفاده از این صفت ها برای کار کاملاً ثابت قدم نیست. و مقدمه دوم تیموتائوس را با این جمله به پایان می رسانم که دوباره، به سخنرانی اول تیموتائوس گوش دهید، چون واقعا تصویر کامل تری از آنچه درباره نامه های کشیشی، نویسندگی، تاریخ و غیره می دانیم ارائه می دهد.

۲ تیموتائوس احتمالاً در دوران دومین زندان رومی نوشته شده است. و این زندان به پایان می رسد، من همین امروز صبح داشتم روایت یوسبیوس درباره گردن زدن پل را دوباره می خواندم. گزارش هایی که اجداد منتقل کردند این بود که پطرس وارونه مصلوب شد و پولس گردن زده شد.

۲ تیموتائوس سخت ترین نامه کشیشی است که به عنوان غیر پولسی قابل بحث است. در اولین سخنرانی اشاره کردم که در دنیای غرب، بسیاری فکر می کنند که پولس کتاب های ۱ و ۲ تیموتائوس یا تیتوس را ننوشته است. اما حتی کسانی که این را مطرح می کنند هم اعتراف می کنند، خب، در ۲ تیموتی چیزهای زیادی هست که بسیار، بسیار شخصی و خاص است.

رابطه بین پل و تیموتی بسیار شخصی و بین فردی است. و خیلی هم منطقی نیست. چرا یک جعل کننده باید این همه چیز را بسازد که این قدر محتمل است که بین این دو مرد و همکاران واقعی بوده باشد؟ چرا، این لازم نیست برای این، هر هدفی که از این چیز برای نوشتن نادرست بوده؟

چرا باید این همه جزئیات منطقی وجود داشته باشد؟ پس بسیاری از پژوهشگران می گویند، خب، در واقع این شبه پیگرافیک نیست. این واقعا پولس است که به تیموتی واقعی نامه می نویسد. پس همین ها را می گویم وقتی وارد خود تیموتی دوم می شویم.

و ما یک فرصت داریم و این گونه است، پولس رسول مسیح عیسی است و ما می توانیم آن را از طریق اراده خدا ترجمه کنیم. اراده خدا وسیله ای بود که مسیح به طریق آن به پولس یا شائول در راه دمشق ظاهر شد. و این باعث شد پولس این مأموریت را به عنوان رسول به دست آورد.

این در راستای وعده زندگی است که در مسیح عیسی به تیموتائوس، پسر عزیزم، فیض، رحمت و صلح از جانب خداوند پدر و مسیح عیسی پروردگار ما است. حالا برخی از ویژگی های مشابه را اینجا می بینیم که در سلام قبلی دیده ایم. یکی رسولیت پولس است.

و من اینجا یک پاورقی دارم و این آیات را نمی خوانم، اما یادآوری می کنم. اگر دانش آموز خوبی از کتاب مقدس باشید، فوراً ارجاعات به اول قرن‌تین ۴، ۹-۱۳ را خواهید شناخت. پولس درباره نحوه رفتار با رسولان و اینکه آن ها نوعی ترین افراد روی زمین هستند و اینکه چقدر سرکوب شده بودند اما شکست نخوردند، و اینکه چقدر مورد نفرت بودند، اما دلسرد نشدند، و چگونه شکست خوردند، اما خدا آن ها را تحمل کرد صحبت می کند.

پس، در حالی که رسول، در فهم مدرن تر، گاهی این اصطلاح باشکوه وجود دارد و سپس این رسولان به فساد متهم می شوند و قدرتمند بودند و از نذورات کلیساها یا کارهای دیوانه وار ثروتمند می شدند. در واقع، هیچ عاقل داوطلب نمی شود که رسول شود چون این پایان زندگی راحتی و زندگی ای است که خودت تعیین می کنی کجا بازنشسته می شوی و چه نوع تعطیلاتی می روی. می توان گفت رسولان واقعا سرنوشت تلخی در زندگی داشتند مگر اینکه در رفاقتی با یکدیگر و خداوند زندگی می کردند که به آن ها کمک می کرد جلال، زیبایی و شادی کاری که انجام می دادند را ببینند.

و فکر می کنم این گونه زندگی می کردند و پس تحمل می کردند، اما آنچه تحمل می کردند واقعا نفرت انگیز بود. همچنین، در دوم قرن‌تین ۴: ۷-۱۲، پولس می گوید ما این گنجینه را در ظروف سفالی داریم، اما وقتی آن بخش را می خوانید، می بینید که ما، بیش از همه، ما رسولی است. کسانی مانند پولس هستند که سفیران انجیل هستند و او تلاش می کند این را به قرن‌تین که از انجیل جدا شده اند نشان دهد و آن ها را به پیام رسولی و تصاحب انجیل که بسیاری از آن ها ترک کرده اند، بازگرداند.

اما نکته ای که او در دوم قرن‌تین ۴ مطرح می کند، تمام معایب بودن این ظرف خاکی است و اینکه چقدر دردناک است و چقدر برای آرامش موجودات مضر است، اما چقدر باشکوه است، چون همانطور که در پایان می گوید، رنج لحظه ای نور، این کم گویی است، در واقع گذرا نیست، بلکه بقیه زندگی اوست، و این رنج سنگینی است، اما در مقایسه، او می گوید، بیماری لحظه ای سبک در میان ما باری از شکوه ابدی ایجاد می کند. پس، این بدبختی ظاهری وجود دارد، اما در واقع، وقتی واردش می شوید، مثل این است که عیسی در پایان هفته رنج درباره شادی اش صحبت می کند. شادی ام را به تو می دهم.

چه شادی ای داری وقتی قرار است برای گناهان بر صلیب بمیری؟ خب، کسانی که در همراهی با خدا راه می روند، شادی ای را می شناسند، همانطور که عیسی گفت، شادی ای که جهان نمی دهد، صلحی که جهان نمی دهد. پس، رسالت پولس و یک بخش دیگر که باید ذکر کنم، دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۶ تا ۱۰: ۱۲، جایی که پولس رنج هایش را برمی شمارد، چگونه دشمنانش او را تعقیب کردند و چگونه بدون غذا و بی امنیت و بدون پناهگاه بود، و سپس خدا به او رؤیا داد، اما سپس خاری در گوشت به او داد تا نتواند خود را بالا ببرد، و او فکر کرد، خب، من می دانم چه کار خواهم کرد. خدا به دعا پاسخ می دهد.

در واقع، سه بار دعا خواهیم کرد، همانطور که عیسی در باغ جتسیمانی دعا کرد، و خدا گفت نه، نه، نه، و گفت، پاسخ دعای تو فیض من است و فیض من کافی است. فیض من این حس رنج را به تو خواهد داد تا بتوانی قدرت واقعی ات را تأیید کنی. قدرت واقعی تو پاسخ به دعا نیست.

قدرت واقعی تو اتکای تو به مسیح است، و پولس گفت، وقتی من ضعیف باشم، پس قوی می شوم، قوی در چیزی که او می خواست قوی باشد، یعنی رسول بودن. در این آیات آغازین نیز برجستگی را می بینیم؛ به زرد، برجستگی خدا و برجستگی عیسی مسیح نگاه کنید، و اینجا مسیح عیسی را پروردگار ما می نامند، پس این یکی از دلایلی است که من تمایل دارم خداوند را به عنوان مرجع محتمل در نوشته های پولس ترجیح دهم. احتمالاً خداوند به مسیح اشاره می کند، اما گاهی اینطور نیست، به ویژه وقتی می گوید خداوند چیزی می گوید و سپس از عهد عتیق نقل قول می کند.

خب، آنجا واضح است که او درباره خداوند صحبت می کند، که پدر است، کسی که از طریق روح القدس سخن می گوید، به گفته عهد عتیق. در این آیات، ما همچنین به زبان عهد که اینجا می بینیم یادآوری می شود. این خداوند ماست، خدا خدایی شخصی است.

قبلاً اشاره کردم که در دنیای باستان، چند صد خدای نام گذاری شده، خدایان، خدایان، الهه ها، ارواح وجود داشتند و مردم به خدایان متعدد ایمان داشتند یا به خدایان متعدد باور نداشتند، اما در کلیسا، همانند جامعه اسرائیل، یک خدا وجود داشت و دانشمندان دین یونانی-رومی می گویند هیچ کدام از این خدایان خدایی شخصی نبودند که شما با آن رابطه داشتید. آن ها خدایان دریا یا خدایان یک منطقه بودند و ممکن بود به شما محافظت بدهند، یا بتوانند اگر حرف هایی می زدید، یا قربانی هایی می دادید، یا تجربه ای داشتید، لطف خاصی به شما بدهند. ممکن است ارتباطی با خدا داشته باشید که به نوعی به نفع شما باشد، یا بتوانید خدایی را آرام کنید تا خدا به شما آسیب نرساند، اما ما در کتاب مقدس به ارتباط مردم با خدا عادت کرده ایم.

ابراهیم دوست خدا نامیده می شود و خدا در کتاب مقدس شخصی است. ما رو با اسم صدا می زنیم. او به طور فردی انسان ها را خلق می کند.

او ما را به وجود می آورد و سپس، اگرچه همه ما از او روی گردانده ایم، او ما را نجات می دهد. او ما را یکی یکی جستجو می کند و این زبان عهد وجود دارد که نمی خواهیم اینجا از دست بدهیم، نه تنها درباره این خدا و این مسیح عیسی، بلکه بین پولس و تیموتائوس نیز هست. تیموتی، پسر عزیزم.

پسر عزیزم. او پدر تیموتائوس نبود، اما در خانه ایمان، روابطی داریم که فقط شبیه پدر، پسر، برادر، خواهر یا خواهر، خواهر، برادر، برادر یا هر چیز دیگری نیست. در واقع عمیق تر هستند، چون گاهی روابط خانوادگی ما بسیار تهدیدآمیز است یا اصلاً وجود ندارد.

خانواده ها ممکن است اختلاف و حتی جدایی و نفرت زیادی داشته باشند، اما در خانه ایمان، همان طور که امثال می گوید، دوستی هست که از برادر هم نزدیک تر است. افرادی هستند که ایمان ما به مسیح را با آن ها شریک هستیم و آن ها در واقع به ما نزدیک ترند تا افراد خانواده خودمان. و این یکی دیگر از ویژگی های زبان است که اینجا بازتاب داشت.

در نهایت، اشاره می کنم که وقتی او می گوید، مطابق با وعده زندگی که در مسیح عیسی است، این کتاب پایان کتاب دوم تیموتائوس است. همان طور که امید و فیض در اول تیموتائوس نقطه آغاز بودند، در دوم تیموتائوس، پولس در آستانه مرگ است. او تقریباً مطمئن است و احتمالاً حق با اوست.

اما از ابتدا و در پایان، او زندگی را تأیید می کند. و می داند که پایان زندگی زمینی اش پایان وجودش نیست. در واقع، این آغاز چیزی حتی بزرگ تر از چیزهای بزرگی است که خدا در این دنیا به او نشان داده است.

پس یک شروع بسیار مثبت وجود دارد. و حالا می فهمیم که او چه می خواهد بگوید. و در NIV، عنوان «شکرگزاری» را داریم.

از خداوند سپاسگزارم، کسی که همانند اجداد خدمت می کردم، با وجدانی آسوده سپاسگزارم. چرا پولس این حرف ها را مدام به تیموتائوس می گوید، این چیز واضح و آگاهانه؟ و فکر می کنم شاید قبلا به این موضوع اشاره کرده باشم، اما دوباره انجامش می دهم. و چرا او از نیاکان یاد می کند؟ خب، او از تبار ابراهیمی است.

او به طور مشخص از قبیله بنیامین است. او فریسی فریسیان بود. او عمیقا در سنت یهودی غرق بود.

و از گستره نوشته هایش می دانیم که منتقدان زیادی داشت. و حتی کسانی بودند که می خواستند او را بکشند. و استدلال آن ها این است که تو خائن هستی.

و در واقع، این را به عنوان یک مشاهده اینجا دارم، پس مستقیم می روم سر اصل مطلب. وجدان آسوده تکرار می شود چون یهودیان هم کیشان پولس و تیموتائوس را خائن می دانستند. یا بدتر، عیسی فقط یک خائن نبود.

او در چشم نهادهای حاکم پیامبر دروغینی بود که می گفتند باید او را اعدام کنیم. او مردم را گمراه می کند. چون عهد عتیق، موسی تعلیم داد، که پیامبران دروغین باید اعدام شوند.

و آن ها گفتند، تو پیامبر دروغینی هستی، یعنی ما تو را اعدام خواهیم کرد. پس فکر می کنم تیموتائوس باید یادآوری می شد که می توانی یهودی باشی که تأیید می کند عیسی مسیح است و می توانی این کار را با وجدانی آسوده انجام دهی. چون در سراسر دنیای روم، شما اقلیت در میان اقلیت خواهید بود.

و بعد می گوید، مثل شب و روز، من همیشه تو را در دعاهایم به یاد می آورم. زبان پیمان بیشتری وجود دارد. اشک هایت را به یاد می آوریم و نمی دانیم چرا گریه می کرد.

اما دانستن اینکه تیموتی تحت فشار است. یا شاید فقط آخرین باری بود که خداحافظی کردند، تیموتی گریه کرد. ما نمی دانیم چرا گریه کرد.

اما او می گوید: مشتاق دیدنت هستم تا سرشار از شادی شوم. یاد ایمان صادقانه ات می افتم که ابتدا در مادر بزرگت، لوئیس، و در مادرت، یونیس، زندگی می کرد و مطمئنم اکنون در تو هم زندگی می کند. نکته دیگری که اینجا می خواهم بگویم این است که خدایی رسولی نشان دهنده سپاسگزاری است.

فکر می کنم بخواهیم بگویم پولس به خداوند نزدیک بود. و نشانه آن چیست؟ خب، روز شکرگزاری. او در آستانه مرگ است، اما سپاسگزار است.

پایان اول تیموتائوس. اگر رضایت داشته باشیم، اگر غذا و لباس داشته باشیم، راضی خواهیم بود. داره اون رو زندگی می کنه.

حتی در آستانه مرگش هم راضی است. ما همچنین دعایی را می بینیم. ما عشق را در قالب تأیید دیگران، تأیید مادر و مادر بزرگ تیموتائوس و تأیید تیموتائوس می بینیم.

و سپس اشتیاق به شادی هم نشینی در مسیح را می بینیم. پس این ها برخی از نشانه های انجیل هستند که می توانیم مشاهده کنیم. و این ها در زندگی کسی که اگر من در زندان و در صف اعدام بودم، نمی دانم آیا می توانستم با این سبک و خوش بینی و این نوع جهت گیری به دیگران بنویسم، بسیار قابل توجه تر هستند.

اما پل به نقطه ای رسیده بود که دیدگاهی نسبت به وضعیتش داشت. پس صدایش ناامید، تهدیدآمیز یا ترسیده به نظر نمی رسد. اکنون در انجیل درخواست وفاداری به پولس را داریم.

به همین دلیل، به شما یادآوری می کنم که هدیه خدا را به شعله ور کنید. دوباره، زرد زبان خداست و قرمزی که می بینی فرمان است. یادآوری می کنم که باد بزنی و شعله ور شوی.

حالا این کار را دیپلماتیک انجام می دهد. به همین دلیل، او واقعا فرمان نمی دهد که بادبزنی را به آتش درآورد. او با دیپلماتیک می گوید، به همین دلیل به شما یادآوری می کنم که هدیه خدا را به آتش بیاورید.

آن کلمه برای هدیه کاریزما است. ما واژه کاریزماتیک را از آن می گیریم. اما این چیزی است که خدا به ما می دهد، که در تو از طریق گذاشتن دستان من است.

زیرا روحی که خدا به ما داده ما را ترسو نمی کند، بلکه قدرت، محبت و انضباط شخصی به ما می دهد. پس او می خواهد تیموتائوس تثبیت شود، هدیه ای را که به او داده شده به یاد بیاورد، آموزه های روح القدس را که دریافت کرده به یاد بیاورد، اینکه روح القدس ما را پایدار می کند، تشویق می کند، روحی قدرت و کفایت به ما می دهد و غیره. پس از شهادت درباره پروردگاران یا من، زندانی او، شرمند نباش.

بلکه با من در رنج کشیدن برای انجیل به واسطه قدرت خدا همراه شوید. و سپس مانند اول تیموتائوس، جایی که ابتدا تیموتائوس را تشویق می کند و سپس به شهادتش می پردازد، اینجا تشویق می کند، تیموتائوس را تشویق می کند، و سپس نه چندان به شهادت شخصی پولس، بلکه می توان گفت یادآوری نجات شناسانه، یادآوری آموزه نجات، یادآوری اینکه چرا پولس باید به تیموتائوس یادآوری کند که قوی بماند. تیموتی توسط خدا نجات یافته است.

او در موقعیتی قرار دارد که ظاهرا تهدیدآمیز است، اما آنجا است چون خدا او را به آنجا فراخوانده است. پس امید هست. او ما را نجات داده و در برخی ترجمه ها می گویند با دعوت مقدس، با فراخوانی به زندگی متمایز و مشخص، ما را فراخوانده است.

NIV آن را به عنوان فراخوانده شدن به زندگی مقدس درک می کند و این هم جواب می دهد. زندگی ای که اینجا مقدس است، یعنی جدا شدن، وقف خدمت خدا و دعوت انجیل، نه به خاطر کاری که انجام داده ایم. پس، نجات نه از طریق کار یا دستاورد یا عملکرد انسانی، بلکه به خاطر هدف خودش است.

آیا هدف خدا را درک می کنی؟ من هدف خدا را نمی فهمم. خدا خداست. او اهداف خودش را دارد.

پس، نجات ما یک راز است. حالا، می دانم چه مراحل را طی کردم تا پیام را قبول کنم و جواب مثبت بدهم، اما نمی توانم بگویم خب، نجات یافته ام چون من... ما به خاطر خداوند نجات یافته ایم. خدا هدفی داشت.

در راز مهربانی اش، چیزی به ما داد که شایسته اش نبودیم، و آن این بود که به خاطر هدف و فیض خودش ما را نجات داد. این فیض پیش از آغاز زمان در مسیح عیسی به ما داده شد. به دست آوردن چیزی که قبل از تولد به تو داده شده خیلی سخت است، اما او رستگاری را اینگونه تصور می کند.

در یک سخنرانی قبلی اشاره کردم که پولس رستگاری را پیش از زمان و زمانی که خدا وعده داده تصور می کند، زمانی که مسیح برای تحقق آن مرد، زمانی که ما آن را تجربه می کنیم، و زمانی که سرانجام جلال یافته و کامل خواهیم شد وقتی می رویم و در برابر خداوند می ایستیم. پس، نجات گذشته است. این در حال حاضر و آینده در پولس است و او می تواند در هر یک از این مکان ها درباره اش صحبت کند.

این یک کلیت است. اما اینجا او ابتدا قبل از آغاز زمان درباره آن صحبت می کند، اما اکنون همچنین می گوید که این موضوع از طریق ظهور نجات دهنده ما، مسیح عیسی، که مرگ را نابود کرده و زندگی و جاودانگی را از طریق انجیل روشن کرده است، آشکار شده است. باز هم، تا حدی مرگ پل را پیش بینی می کند.

او می داند که نور و جاودانگی توسط انجیل آشکار شده اند. و این به رستخیز اوست، اما برای زنده شدن، باید می مرد. و او فقط خوابش نمی برد و از کووید نمی مرد یا چیزی شبیه به آن.

او عمداً برای گناهان ما جان داد. خدا کسی را که گناهی نمی دانست به خاطر ما گناه کرد تا ما بتوانیم عدالت خدا در او شویم، دوم قرن ۵: ۲۱. پس او مرگ را با نابود کردن مرگ نابود کرد.

مزد گناه مرگ است. گناهان زیادی وجود داشت که باید برایش می مردند. او این کار را کرد.

او برای گناهان قوم خدا جان داد. او گناهان ما را تا قبر برد. او خشم خدا را به جای ما به دوش کشید.

و سپس برخاست، نشان داد مرگ شکست خورده است، وعده خدا برای پاک کردن گناه ما و دادن فیض خود و آینده ای در جهان آینده. همه این ها به خاطر مسیح، موعود، مسح شده، عیسی، عیسی ناصره واقعی و درست هستند. و این خبر خوب، از این خبر خوب، من به عنوان پیام آور، گوینده، رسول و معلم منصوب شدم.

به همین دلیل است که من اینقدر رنج می کشم. بین، اون زندانه. با این حال، این موضوع جای شرم ندارد چون می دانم به چه کسی ایمان داشته ام.

و مطمئنم که او قادر است آنچه را که به او سپرده ام تا آن روز، روزی که در برابر خدا بایستد و حساب بدهد، حفظ کند. آنچه از من شنیده ای، نگه دار. این مرا به پایان کتاب اول تیموتی یادآوری می کند.

او می گوید، مراقب چیزی باش که به تو سپرده شده. دقیقاً همینطور است. پولس می گوید من مطمئنم خدا می تواند آنچه را که به او سپرده ام حفظ کند.

باید از چیزی که به تو سپرده شده محافظت کنی. Keep الگوی آموزش صحیح است. و این فقط اطلاعات کتاب درسی نیست.

این کار مثل یک وسواس نیست، باشه، این را در نظر می گیرم. هر روز مرور می کنم. برنامه های زمانی یا الگوهای فعلی ام را مرور می کنم یا چیزی شبیه به آن.

این آموزه سالم را حفظ کنید و در یونانی، ایمان و محبت در مسیح عیسی است. پس این آموزش را در رابطه ای با خدا و عشقی که شامل خدا، مردم خدا و اهداف خدا در جهان است چون در رابطه با مسیح عیسی یافت می شود، حفظ می کنید. در واقع این یک فرمان کامل، غنی و رضایت بخش است.

الگوی آموزش درست را حفظ کنید. از سپرده خوب محافظت کن. و آن سپرده همچنین می تواند به معنای گنج باشد.

این گنجینه باشکوه را که به تو سپرده شده محافظت کن، این کلمه رستگاری. با کمک روح القدس که در ما زندگی می کند از آن محافظت کنید. و به طور کلی در پولس، وقتی به انگلیسی ترجمه می کنیم، در ما، اگر درباره مسیح صحبت کنیم، درباره کلیسا صحبت می کنیم، چیزی در ما، تقریباً همیشه می توان آن را در میان ما ترجمه کرد چون جمع توزیعی است.

و البته باید در فرد باشد تا در همه وجود داشته باشد. اما گاهی در انگلیسی، چون در تو هستی و می توانی من باشی نه ما، در یونانی تمایز وجود دارد. و او نمی گوید در تو، فردی، یگانه.

او می گوید اینجا در ما جمع است. پس به یاد داشته باشید که این هم کلیسای است. روح القدس در میان قوم خود ساکن است، نه فقط در ما به صورت فردی.

اول، می بینیم که حس دعوت تیموتائوس بخش جدایی ناپذیر پایداری خدمت اوست. پولس می خواهد او تشویق شود و استوار بایستد. دوباره او را صدا می زند تا به یاد بیاورد که خودش را در این ماجرا گرفتار نکرده است.

خدا او را به این کار فراخواند. دست هایی روی او گذاشته شد. پیش بینی ها انجام شد.

این توهم نبود. و مهم است که ریشه هایمان را به یاد داشته باشیم. و بنابراین، او آن ها را به این کار فرا می خواند.

دوم اینکه، روح القدس ترس را القا نمی کند، چه ترس و فرار باشد، چه ترس ناشی از تنبلی و امتناع از نامزدی. بلکه روح القدس ما را با قدرت، محبت و ذهنی روشن به جلو می راند. و اگر آن چیزها را پیدا نمی کنیم، باید به جستجوی آن ها از خدا ادامه دهیم، چون این چیزی است که خدا می دهد.

ثالثاً، خدمت انجیل ممکن است ما را به اجبار بکشاند و ما را از آن جدا نکند. آیه ۸ می گوید: با من در رنج کشیدن برای انجیل همراه شوید. گاهی مردم به نجات فکر می کنند، به برکت فکر می کنند، و به خدا فکر می کنند که نزدشان می آید و مشکلاتشان را حل می کند، و این اتفاق می افتد.

اما گاهی وقتی به ندای خدا پاسخ می دهیم، به دردسر زیادی می افتیم. و این به خداست، به جایی که ما را هدایت می کند، و چه استفاده ای می خواهد از ما بکند، و چه چیزی ممکن است به عنوان یک مزیت فوق العاده بهره مند شویم یا چه چیزی را به عنوان دشواری بسیار دشوار تحمل کنیم. چهارم، کار نجات بخش انجیل فراتر از پیچیدگی های دنیوی است و تأیید می کند که حتی مرگ هم نمی تواند مؤمن را از محبت خدا در مسیح جدا کند.

اگر به آیات ۹ و ۱۰ برگردید، او درباره اهداف ابدی خدا صحبت می کند که هیچ کدام از ما نمی توانستیم شاهدش باشیم یا از آن ها آگاه باشیم، و سپس درباره اینکه چگونه اهداف خدا از طریق ظهور نجات دهنده ما، عیسی مسیح، که مرگ را نابود کرد و زندگی و جاودانگی را از طریق انجیل روشن کرد، آشکار شد. همه

این ها فراتر از پیچیدگی های زمینی، مخالفت های زمینی، ظهور و سقوط پادشاهی ها و ظهور و سقوط کشورها است؛ چیزی بزرگ تر از این ها خبر واقعی جهان است: پادشاهی خدا. ۵. ندای خود پولس و نتایج آن باید تیموتائوس را زمانی که پولس در آیات ۱۱ و ۱۲ درباره انتصابش صحبت می کند، چرا رنج می برد، چرا شرمند نیست، چگونه می داند به چه کسی ایمان داشته و مطمئن است که می تواند آنچه به او سپرده شده را در برابر آن روز نگه دارد، به هیجان بیاورد.

مثال پولس تشویق مستقیمی برای تیموتائوس است، به ویژه از این جهت که تیموتائوس و پولس هر دو به خوبی آگاه بودند که پولس در این نامه میراثی را به تیموتائوس منتقل می کند. اگر درباره دو و میدانی صحبت کنیم، مسابقات امدادی داریم، و وقتی در مسابقه امدادی مشعل را به کسی می سپاری، پل در حال دادن باتون است. یک تماس تلفنی داشت.

او چالش هایی داشت. خدا او را خسته کرد. پولس معتقد است که همه این ها کار خداست و همه چیزهایی را که خدا عطا کرده تأیید می کند.

تیموتی هم باید همین کار را بکند. در نهایت، وفاداری به آنچه با کمک مسیح و روح دریافت می کنیم، پایه و اساس باروری خدمت است. وفاداری به آنچه در روح دریافت کردیم.

امانت نیکی را که با کمک روح القدس، روح مسیح برخاسته، که در میان ما ساکن است و در ما ساکن است، به تو سپرده شده است، حفظ کن. این پایه و اساس باروری خدمت است. اکنون، این مستلزم ریشه عمیق در این الگوی آموزش و این سپرده است.

این زندگی را پیش فرض می کند، تأییدی بر آن در تجربه روزمره ما. این الگو مستلزم ادامه عمر این الگوی آموزش صحیح است. پس وقتی درک عمیقی از آموزش درست ندارید، شک کردن و بی ثبات شدن آسان است.

اما تیموتی، همان طور که اینجا برایش نوشته شده، حداقل حدود ۱۵ سال آموزش اعضای جدید دارد، به نوعی. پس پل می تواند با اطمینان این اطلاعات را به او منتقل کند و او را به قوی ماندن تشویق کند. وقتی به پایان فصل می رسیم، نمونه هایی از بی وفایی و بی وفایی داریم.

و شاید به یاد داشته باشید که الگوی اینجا شبیه به اول تیموتائوس است، جایی که سلام و سپس چالش و شهادتی وجود دارد که خدا در زندگی پولس کافی بوده است. و سپس، هشدار درباره هیمنئوس و اسکندر. خب، اینجا کمی متفاوت است، اما شباهت هایی وجود دارد.

اول از همه، او می گوید که همه در استان آسیا مرا ترک کرده اند. پس، یک جدایی از پولس و انجیل او رخ داده است. این اتفاق زمانی هم افتاد که پولس در اولین زندانی بود.

فکر می کنیم او در رم بود. او در فیلیپی بود. و او درباره این صحبت می کند که بسیاری با موعظه انجیل به نوعی موازی با پولس، با او مخالفت می کردند.

و او می گوید این کار را به خاطر انگیزه های غیراخلاقی انجام داده، تا کمی بد جلوه کند. یا به هزینه او، آن ها کلیساهای رقیب را تأسیس کردند. و پولس می گوید، خب، تا وقتی مسیح را موعظه می کنند، من خوشحال خواهم بود.

و ممکن است از من متنفر باشند. اما خدا این موضوع را حل خواهد کرد اگر آن ها مسیح را موعظه کنند. و چیزی مشابه اینجا هم اتفاق می افتد.

همه در استان آسیا مرا ترک کرده اند، از جمله فیگلوس و هرموژنس. و ما چیز دیگری درباره این افراد نمی دانیم. ما فقط می دانیم که آن ها پل را ترک کردند.

سپس، به طور مثبت تر، خداوند به خانه اونیسیفوروس رحم کند، زیرا او اغلب مرا تازه می کرد و از زنجیرهایم شرمند نبود. یک پژوهشگر در اینجا اشاره می کند که زبان ممکن است نشان دهد که اونیسیفوروس اکنون درگذشته و اکنون مرده است. اما برعکس، در آیه ۱۷، وقتی در رم بود، سخت به دنبال من گشت تا اینکه مرا یافت.

خداوند عطا کند که در آن روز از خداوند رحمت بیابد. چند راه به من در افسوس کمک کرد. ما جزئیات این چیزها را نمی دانیم.

اما این ها تکه هایی از اطلاعات هستند که برای تیموتائوس مرتبط هستند و به تیموتائوس کمک می کنند تا وضعیت پولس را بهتر درک کند. او می بیند که مردم از انجیل جدا می شوند. این موضوع روی تیموتی هم تأثیر می گذارد.

اما به طور مثبت، شما حرکت وفادارانه اونیسیفوروس را دارید، فداکاری ای که کرد، شجاعتی که نشان داد و کارهای خوبی که انجام داد. این می تواند برای تیموتائوس دلگرم کننده باشد، همان طور که خبر منفی می تواند او را تشویق کند تا نسبت به خطراتی که ممکن است با آن ها روبرو شود آگاه باشد و همچنین انگیزه ای برای دعا با پولس باشد. از یک طرف، او فراری است.

از طرف دیگر، او تشویق می شود. این ها هر دو چیزهایی هستند که تیموتی می توانست در یک هم نشینی دعا با پولس شریک شود، که مطمئنم آن ها در آن زندگی می کردند. فصل را با مشاهده این موضوع به پایان می رسانیم که چگونه در خدمت رسولی و خدمت کشیشی، گذشته و اکنون، مردم می توانند بسیار ناامیدکننده باشند.

و هرچه سنتان بالاتر می رود، بیشتر می بینید که مردم کارهایی انجام می دهند و تصمیماتی می گیرند که انتظارش را نداشتید. شاید با آن ها در مدرسه بودی. شاید با آن ها در حوزه علمیه بودی.

شاید شما هم در کادر کلیسا با آن ها بودید. و سپس تحولات شگفت انگیزی وجود دارد. اینجاست که باید به هدف خدا ایمان بیاوریم و مطمئن شویم که به خداوند وابسته ایم و عمیقاً به آموزه هایی که دریافت کرده ایم متعهد هستیم.

فکر می کنم آیه ای که به ذهنم می رسد، شاید بیشتر از هر آیه دیگری، هرچند نمی توانم آن را تأیید کنم. من مکانیزی ندارم که ضریات آیات کتاب مقدس را در روانم بشمارد. اما اغلب خودم را در حال فکر کردن می بینم که دروازه های جهنم بر کلیسا غلبه نخواهند کرد.

و این به این دلیل نیست که وقتی اطرافم را نگاه می کنم چیزهای فوق العاده ای می بینم، حداقل در آمریکای شمالی، کلیسا، چیزهای منفی زیادی می بینم. یا می بینم مردم از هم دور می شوند. اما باید همان اعتقادی را داشته باشم که فکر می کنم پولس داشت، که حتی اگر همه او را ترک کنند، اگر او به مسیح وفادار بوده باشد، آن ها مشکلی دارند، او مشکلی ندارد.

زیرا او متعلق به مسیح است و مسیح به اهداف خود در زندگی پولس و کلیسا وفادار خواهد بود. اما مردم می توانند تشویق بزرگی هم باشند. و به ویژه به عنوان کشیش، اغلب از مشکلات آگاه هستیم.

و کتاب مقدس می گوید: با گریه کنندگان گریه کن. و بنابراین، می توانید بار اضافی را برای دیگران به دوش بکشید. و خوب است که ما این کار را به عنوان چوپانان روح آن ها انجام می دهیم.

اما باید مراقب باشیم. و این گاهی به تیپ های شخصیتی مربوط می شود. برخی تیپ های شخصیتی دوست دارند در غم غرق شوند.

الان کتابی از سوزان کین هست که محبوب است به نام «تلخ و شیرین». و کل کتاب درباره ذهنیت بعضی ها است که فقط چیزهای غم انگیز را دوست دارند. شاید جرمایا هم همین طور بود.

نمی دانم، شاید پل هم همین طور بود. این یک نوع شخصیت است. بعضی ها خیلی خوشحال اند و بعضی ها در انگلیسی کلمه ای هست به نام lugubrious.

حتی غم انگیز هم به نظر می رسد. آیا آدم غمگینی هستی؟ و اگر اینطور باشد، روی نکات منفی تمرکز خواهید کرد. من کسی را می شناسم که طبق معمول می گوید: خب، امیدوارم این طور باشد.

در هر موقعیت جدید زندگی، می توانی جنبه تهدیدآمیز آن را ببینی. و در کلیسا سومی است اگر همیشه روی جنبه های منفی چیزها متمرکز باشیم. باید به یاد داشته باشیم که خدا همچنین ما را با مردم تشویق می کند.

و او اونسیفوروس را تشویق کرده است. و اگر به کوتاه بودن ۲ تیموتی فکر کنید و چقدر پاراگراف بزرگی است که به کسی تقدیم شده، این همان چیزی است که او در زمان گذشته درباره اش صحبت کرده است. اما او به اندازه کافی درباره اش صحبت کرده که می توان دید چگونه پل را سرحال کرد و چگونه این را منتقل می کند تا این برای تیموتی دلگرم کننده باشد.

می توان به ما یادآوری کرد که وقتی افراد تشویق کننده یا شرایط تشویق کننده در زندگی مان داریم، نباید در شکرگزاری و ستایش خدا و یافتن تشویق از خدا در این افراد و شرایط کوتاهی کنیم. این تمام چیزی است که درباره فصل اول تیموتی دوم می گویم.

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو و آموزش او درباره نامه های شبانی است، دستورالعمل های رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان، جلسه ۸، ۲ تیموتائوس ۱.